

شعار های مردم

(... ما همه با هم هستیم...)

جوانان ایران در ماههای اخیر به شکل چشمگیری خواستههای آزادیخواهانه و مسالمت جویانه خویش را به گوش جهانیان رسانیدند. در بین جوانان حضور دختران نیز جلوه ای دیگر بود که از هشیاری زنان ایران و خارج شدن آنان از محدوده های تحمیلی که قرن هاست می خواهند از آنان جنسی نیازمند به حمایت جنس دیگر تصویر کنند حکایت می کرد. جوانان ایران بدون تبعیض های تحمیلی جنسیتی خواستار آینده ای هستند که آزادیهای فردی و اجتماعی مردم ایران تامین شود و رفاه اقتصادی جایگزین فقر حاکم بر اکثریت جامعه گردد. در اعتراض به ناسالم بودن و غیر واقعی بودن نتایج انتخابات نسل جوان ایران توانمند و با سرافرازی در زیر فشار سنگین مستبدان نشکست، هزینه بسیار داد لیک از آزمایشی سخت با افتخار بیرون آمد.

دیگر امروز وسایل ارتباط جمعی جهانی با نشان دادن چند فیلم درد آور از اعتیاد و خود فروشی، نخواهند توانست جامعه جوان ما را به سستی و بی اعتنایی به سرنوشت سرزمینشان متهم کنند. این جوانان هستند که با یکدیگر به گفتگو می نشینند خواسته های اولیه خود را مطرح می کنند. طرحهایی برای کسب آزادیهای اساسی دارند و می خواهند آینده ایران را بسازند. بسیاری از مردم ما شنیدند که در اجتماعات معترضین جوان به نتیجه اعلام شده انتخابات ریاست جمهوری وقتی که از همه سو عرصه به جوانان تنگ می شد و نیروهای نظامی و لباس شخصی و بسیج و ویژه و... به ضرب و شتم مردم می پرداختند بانگی از جوانان برمی خواست که "ترسید نترسید ما همه با هم هستیم"، این فریادی بود که از نیاز به هماهنگی و همدلی حکایت می کرد و با این فریاد فرود آمدن ضربه های مشت و لگد و چوب برای مردم تحمل پذیرتر می گردید. این شعار که ریشه در شعور داشت از ضرورت با هم بودن سخن می گفت. با هم بودن آگاهانه برای رسیدن به خواسته های انسانی و حق طلبانه ضرورت امروز است. بر همه نیروهای ملی و مردمی است که حرکت آزادیخواهانه امروز را حمایت کنند جوانان دانشجوی روزهای نخستین سال تحصیلی نشان دادند که تمام فشارهای وارد شده بر دانشجویان که با هر اندیشه ای در کنار یکدیگر سرود پر افتخار ای ایران را برای آغاز کلاسهای درس، گروهی خواندند و به دولت برآمده از کودتای انتخاباتی اعلام کردند که تا ستم روا دارند دانشجوی آرام نمی نشیند. چند روزی قبل از اول مهر فرماندهان سپاه و بسیج تا توانستند تهدید کردند و دانشجویان را از بیان خواسته هاشان بر حذر داشتند اما دانشجویان چون کنار هم آمدند با هم بودند و نهراسیدند.

وابستگان بلند پایه دولت چون وزیران و استادانی که از مردم بریده اند نتوانستند با تمام حراست ها و حفاظت ها و ماموران رسمی و غیر رسمی در گوشه ای از دانشگاهها داد سخن دهند و آسوده از جلسه بیرون آیند تا حدی که در خبرها آمده است آقای حداد عادل استاد دوره دکتری حتما موفق به تشکیل جلسه دفاع از پایان نامه دانشجویانشان در دانشگاه تهران نشدند. چون خشم دانشجویان به ایشان فرصت چند دقیقه بیشتر بودن در دانشگاه را نداد. حال سؤال این است که آیا حکومتی که عوامش بدون ترتیبات شدید امنیتی نمی توانند به دانشگاه بروند حکومتی که پاسخ هر حرکت مسالمت آمیز را با ضرب و شتم و گلوله می دهد خواهد توانست بر مسند قدرت باقی بماند؟ گفته اند که با سر نیزه می توان مدتی حکم راند ولی بر آن توان نشست.

یکی از شعارهای مردم ایران در اعتراضات گسترده پس از انتخابات ۲۲ خرداد فریاد بلند « مرگ بر روسیه » بود که برای اولین بار به این صورت وسیع در آسمان ایران طنین انداز شد و به ویژه در روز قدس مردم سراسر جهان دیدند و شنیدند که ملت ایران بدون اعتنا به شعارهایی که از بلندگوهای دولتی راهپیمایی اعلام میشد « مرگ بر روسیه » را تکرار و پاسخ میگفتند علت مطرح شدن این شعار چیست ؟ برای ریشه یابی و سبب شناسی این شعار باید صفحات تاریخ این چند قرن اخیر را بکاوییم و به عملکرد همسایه شمالی در این دو سه قرن اخیر هر چند کوتاه و مختصر نظری بیفکنیم. روسیه با جنگهایی تجاوزکارانه و سپس بموجب قراردادهای تحمیلی و ننگین گلستان در ۱۱۹۱ خورشیدی و ترکمانچای در سال ۱۲۰۶ خورشیدی بخشهای وسیعی از خاک ایران در قسمت های شمالی ارس یعنی ایالات گرجستان و قفقاز را به تصرف خود درآورد و ضمیمه خاک خود نمود. در جریان انقلاب ضد استبدادی مشروطیت روس ها چنان مستبدین را گرفتند و با انقلاب آزادیخواهانه ملت ایران به ستیز برخاستند تا آنجا که محمد علی شاه قاجار را که قصد برچیدن مشروطیت و اعاده استبداد را داشت مورد حمایت و تجهیز همه جانبه قرار دادند و در دوران استبداد صغیر این « لیاخوف » روسی بود که با هماهنگی محمد علی شاه و مستبدین مجلس شورای ملی را به توپ بست. با اینکه دولت انقلابی روسیه درآغاز به دلیل ضرورت شناسایی سیاسی از امتیازات تحمیلی سزارها به ملت ایران چشم پوشی نمود ولی با درج مواد ۵ و ۶ در عهدنامه ۱۹۲۱ زمینه دخالت خود را براساس نگرانیهای امنیتی فراهم نمود و از آن چون شمشیری دموکلس بر آزادی عمل های سیاسی ایران استفاده نمود. در جریان جنگ دوم جهانی در شهریور ۱۳۲۰ میهن ما توسط نیروهای متفقین از شمال و جنوب مورد هجوم قرار گرفت و ابتدا توسط نیروهای انگلیسی و روسی اشغال گردید و سپس دوستان آمریکایی آنها نیز به این سرزمین دعوت گردیدند صرف نظر از فجایع و تعرضاتی که توسط این نیروها در کشور ما به منصفه ظهور رسید ولی پس از پایان جنگ نیروهای آمریکایی و انگلیسی خاک ایران را ترک نمودند در حالیکه نیروهای روسی در بخش هایی از شمال ایران بویژه در آذربایجان اطراق نموده و به بهانه های واهی رغبتی به ترک خاک ایران و اجرای عهدنامه سه جانبه و بیانیه سران سه دولت در تهران و تخلیه نیروهای خود نشان نمیدادند شاید هم چندانگامی خود را به خلیج فارس نزدیکتر میدیدند و اگر اولتیماتوم و اخطار ترومن رئیس جمهوری آمریکا به اتحاد جماهیر شوروی دایر بر ترک فوری خاک ایران صورت نمیکرفت قطعا روسها به آسانی خاک ایران را رها نمیکردند. روسها با وجود اینکه به بیرون بردن نیروهای رسمی خود از خاک ایران گردن نهادند ولی باز هم مزورانه با حمایت کردن از بساط فرقه دموکرات و توسط این نیروهای غیررسمی و دست نشانده خود که به ظاهر ایرانی بودند درصدد تجزیه ایران برآمدند که از آن توطئه هم به دلایلی که مهمترین آنها مقاومت و ایران خواهی مردم غیور آذربایجان بود نتیجه ای کسب نکردند. روسها در جریان نهضت ملی شدن نفت، بوسیله حزب توده دست پرورده خود از هیچگونه مخالفت و کارشکنی در مسیر نهضت ملی ایران و دولت ملی مصدق فروگذار نکردند و هنگام کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۳۲ پای طرح این کودتای انگلیسی آمریکایی مهر تایید گذاشتند و به حزب توده گوش به فرمان خود اجازه ندادند که در مقابل کودتا هیچ عکس العملی از خود نشان دهد. روسها از دادن ۱۱ تن طلای بدهی معوق خود که از زمان جنگ به دولت ایران بدهکار شده بودند به دولت ملی مصدق علی رغم نیاز شدیدی که دولت ملی بدان داشت خودداری نمودند ولی پس از کودتای استعمار ساخته ۲۸ مرداد این گنجینه عظیم را در اختیار سپهبد زاهدی رییس دولت کودتا قرار دادند. روس ها پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ ایران به انحاء مختلف از جمله با بکارگیری عوامل حزب توده در امور داخلی ایران مداخله نموده و نقش برجسته ای در دور شدن مسیر انقلاب از هدفهای ملی و آزادیخواهانه آن و گرایش دادن انقلاب به طرف اختناق و سرکوب ایفاء نمودند و بسیاری از انحرافات از سیاست خارجی مستقل ایرانی در راستای حفظ منافع ملی را سبب گردیدند که نتیجه اش درگیر کردن ایران در تشنجات منطقه ای و جهانی بوده و میباشد. روسها پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به عنوان محور اصلی و سرکرده آن « اتحاد » کوشیده و همچنان میکوشند که منافع ملی ایران در دریا ی مازندران را که به موجب قراردادهای موقت و مطابق با اصول قطعی حقوق بین المللی پنجاه در صد از منافع آن دریاست زیر پا بگذارند و در این زمینه از هیچ نیرنگ و ترفندی خودداری نکرده اند. روسها در ارتباط با قراردادهای اندازی نیروگاه اتمی بوشهر پس از اخذ میلیارد ها دلار از ثروت ایران مکررا از انجام تعهدات خود در این زمینه طفره رفته اند و فقط برای حفظ منافع خود و حل کردن مناقشاتشان با سایر قدرتهای جهانی با « کارت ایران » بازی میکنند و بهره میجویند. در شرایط کنونی که ملت ایران در یک جنبش آزادیخواهانه و حق طلبانه به پا خاسته و با بیدادهای بی سابقه و ناگفتنی حاکمیت دست و پنجه نرم میکند و نسبت به انتخابات سرهم بندی شده اعتراض مینماید روس ها اولین دولت تبریک گوی انتخابات آنچنانی هستند و به روی غاصبین حقوق ملت ایران لیخنند میزنند و در کام این ملت شجاع و فداکار زهر میچکانند. با اینکه در عصر حاضر زمان دشمنی ها و خصومت های کهنه بین کشورها به پایان رسیده و زمان تعامل و همکاری و دوستی های بین المللی برای جامعه بشری فرار رسیده است ولی آیا همین رفتارهای ناهنجار جدید و جاری روسیه نسبت به ملت ایران شعار « مرگ بر روسیه » ملت ما را ایجاد نمیکند ؟